

## عادل شمرده شده فقط بوسیله‌ی ایمان

### درس ۱: آموزه‌ای برای امروز

#### دکتر آر. سی. اسپرول

امروز می‌خواهیم مجموعه‌ای رو درباره‌ی آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان شروع کنیم. حالا می‌خواهیم در طول این مسیر، از دیدگاه تاریخی و همچنین از دیدگاه الهیاتی و کتاب مقدسی بهش پردازیم. اخیراً، شنیدم یک تاریخدان کلیسایی نسبتاً معروف اظهار کرده که نهضت اصلاحات تموم شده.

این که جدال سختی که در قرن ۱۶ با قیام نهضت پروتستان ایجاد شد، در زمان ما نسبت به اون دوران خیلی فروکش کرده و دیگه هیچ نیازی به ادامه‌ی بحث درباره‌ی آموزه‌ای مثل عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان نیست مثلاً ما می‌دونیم که در قرن ۱۶، با اصلاحات پروتستان‌ها، کلیسا عمیقترین شکست رو در کل تاریخش تجربه کرد و این جدال بعد از جدایی روم و نهضت پروتستان، خیلی تلخ و زنده شد، و گاهی اوقات، انتقام بین دو طرف، خون آلود شد.

تنها زمانی که می‌تونم به یک پادشاه در انگلیس فکر کنم که لقبش "خون‌ریز" بود، ماری خون‌ریز هست زمانی که سعی کرد مذهب کاتولیک رو در انگلیس احیا کنه و در جفای اساسی علیه کسانی شرکت کرد که از جفاهاش او به کشورهای دیگه گریخته بودند. اما می‌دونیم که مردم شکنجه شدند، اونها کتک خوردند و کشته شدند چون به نظر میاد این مسأله برای اونهایی که در اون عصر در مشاجره‌ی قرن ۱۶ شرکت داشتند، بیشترین اهمیت را داشت در حقیقت جدالی بر سر یک آموزه بود که باید با عواقب ابدی انجام میشد.

حالا کلیسا همیشه باید به مباحثه و جدایی و مناظرات درباره‌ی الهیات رسیدگی کنه. بعضی از اونها جدیتر از بقیه هست. وقتی به قرن چهارم برمی‌گردیم و به مباحثه‌ی مهم با آریوس فکر می‌کنیم، کسی که الوهیت مسیح رو انکار کرد، موضوعی که باعث تشکیل شورای نیقیه و بعد اعتقادنامه‌ی نیقیه شد.

بعد به قرن پنجم رفتیم و کشمکش کلیسا با ائوتوئوس و بدعت تک‌طبیعت‌گرایی او رو دیدیم که در کنار نستوریوس، خیلی ویرانگر بود و منجر به تشکیل شورای کلسدون شد که ما تعریف کامل درک کلیسا در اون زمان از شخص عیسی رو از اینجا دریافت کردیم. اما این مباحثات، هر چند که در قرن چهارم و پنجم عمیق بودند، وقتی به اتفاق قرن ۱۶ با نهضت اصلاحات پروتستان فکر می‌کنیم، ارزششون تقریباً کم‌رنگ میشه.

حالا همونطور که در ادامه خواهید دید، لوتر مسأله‌ی عادل شمردگی رو خیلی مهم و اساسی می‌دونست او حاضر بود کلیسا به خاطر نجات کسانی که انجیل رو نمی‌شنوند، از هم جدا بشه.

اگر امروز به سوئیس و شهر قدیمی ژنو و پارک اصلاحات برید، این رو به یاد خواهید آورد. این دیوار بزرگ در کنار آمفی تئاتر با مجسمه‌ی مردانی مثل کلوین و بزا و لوتر، و زوینگلی و ناکس و دیگران هست که به طرز چشمگیری در نهضت اصلاحات قرن ۱۶ شرکت داشتند. اما در سنگ دیوار اصلاحات، کلمات لاتین "پست تِنبراس لوکس"، "نور بعد از تاریکی" حکاکی شده.

لوتر باور داشت که در اواخر قرون وسطی، در طول یک دوره‌ی فساد بی سابقه در کلیسا، خود انجیل در تاریکی و ابهام فرو رفته. و اصلاحات، از دیدگاه او، چیزی کمتر از بازپس گیری و احیای خود انجیل نبود. این انجیل بود که زیر شیادی‌های مراسم مذهبی کلیسای قرون وسطا پنهان شده بود و این دغدغه‌ای بود که لوتر می‌خواست اصلاحش کند، این که انجیل رو در خط مقدم بذاره تا نور انجیل بتونه از نو در زندگی کلیسا بتابه.

مثلاً در یک مقطع زمانی، به عنوان یه موضوع جانبی بحث با کلیسا بر سر این سؤال بود که آیا باید به مردم اجازه داد که بتونن بدون تفسیر کلیسا، کتاب مقدس رو بخونند یا خیر، کلیسا گفت: "اگر اجازه بدید مردم کتاب مقدس رو مثلاً به زبان خودشون بخونند، و برای خودشون بخونند، این دریچه‌های سد شرارت رو باز خواهد کرد و بسیار، بسیار، بسیار، کلیساهایی ایجاد میشه و همه ادعا خواهند کرد که اعتبارشون از کتاب مقدس میاد".

و البته از تقریباً ۵۰۰ سال پیش که این هشدار به لوتر داده شد، بیش از ۲۰۰۰ فرقه‌ی پروتستان در دنیا ایجاد شده، و هرکدوم ادعا می‌کنند که کلیسای حقیقی و کتاب مقدسی اونها هستند.

پس لوتر آگاه بود که این می‌تونه اتفاق بیفته، اما گفت انجیل در کتاب مقدس خیلی ساده هست که یک بچه می‌تونه درکش کنه و دریغ کردن پیغام انجیل از مردم، توجیه ناپذیر بود. پس او فقط می‌خواست کتاب مقدس در دسترس همه باشه تا بتونند انجیل رو بشنوند و درک کنند و یاد بگیرند. پس در پاسخ به کلیسا گفت: "اگر دریچه‌ی سد شرارت باز میشه، بگذار که اینطور بشه".

منظورم اینه که باید سؤال روانشناسی لوتر، طرز فکر او، رو برسید، او چطوری تونست علیه کل دنیای زمانش بایسته و بر این آموزه‌ی خاص عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان تأکید کنه. او این بیانیه‌ی معروف آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان رو بیان کرد. مقوله‌ای که کلیسا روی اون یا می‌ایسته یا سقوط می‌کنه.

این مقوله‌ی خیلی مهمی هست که او گفت اگر این رو از دست بدیم، مسیحیت رو از دست میدیم. او گفت عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان، شاهزاده، سرور و اقتدار همه‌ی چیزهای دیگه‌ای هست که از کتاب مقدس به سوی ما میاد، دوباره برمی‌گرده به این شعار که این مقوله‌ای هست که کلیسا روی اون یا می‌ایسته یا سقوط می‌کنه.

منظورش از این چی بود؟ منظورش این بود که اگر آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان رو نداشته باشید، انجیل رو ندارید، و اگر انجیل رو نداشته باشید، کلیسا دلیلی برای وجود داشتن نداره. و کلیسا از کلیسا بودن باز

می‌ایسته و در ارتداد سقوط می‌کنه. اما در اینجا، لوتر، فراتر از کاربرد کلیسایی، به طور گسترده می‌گفت آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان، مقوله‌ای هست که شما بر روی اون یا می‌ایستید یا سقوط می‌کنید، مقوله‌ای که من روی اون یا می‌ایستم یا سقوط می‌کنم. دوباره، چرا؟ چون این مقوله‌ای هست که به این سؤال جواب میده: "من باید چی کار کنم تا نجات یابم؟" چطور یک نفر نجات رو به دست میاره.

بزرگترین مشکل نسل بشر اینه که خدا قدوسه. او عادله. او عادله و ما نیستیم. پس سؤال عادل شمردگی به این خلاصه میشه: "من چطور به عنوان یک شخص ناعادل می‌تونم رابطه‌ی درستی با خالقم داشته باشم؟" خیلی از افراد زیاد نگران این نیستند. اونها فرض می‌کنند خدا یک نوع پیشخدمت آسمانی هست که آماده‌ی جواب دادن به هر یک از درخواست‌های ماست، و چنان رحمت بیکرانی داره که می‌تونه یک طرفه گناهان همه رو ببخشه و نیازی نداره که فرایندی اتفاق بیفته تا افراد بی‌خدا رو عادل بشمره. او خداست. او می‌تونه هرکاری که می‌خواد بکنه. پس چرا نتونه دستش رو تکون بده و بگه: "همه‌ی شما رهایی یافتید. همه‌ی شما بخشیده شدید. همه‌ی شما نجات یافتید." خُب، نمی‌تونه این کار رو بکنه.

اجازه بدید برگردم و بگم، او این کار رو نمی‌کنه. چون نمی‌تونه این کار رو بکنه. او نمی‌تونه این کار رو بکنه، چون او خداست، چون او عادله. و تنها راهی که می‌تونه مردم رو از بعضی فرایندهای عادل شمردگی رهایی بده، اینه که از عدالت خودش مایه بگذاره. پس همونطور که پولس در رومیان میگه: "خدا راه عادل شمردگی رو از طریق مسیح فراهم می‌کنه تا خدا بتونه عادل و عادل کننده باشه."

خدا راهی پیدا می‌کنه یا راهی داره، نمی‌خواد پیداش کنه. او از ازل این راه عادل شمردگی رو می‌دونه، راهی که باهاش می‌تونه عدالت خودش رو حفظ کنه، ولی ما رو که از خودمون هیچ عدالتی نداریم، نجات بده. پس دوباره، اینجا بحث حول محور این سؤاله که چطور یک نفر نجات پیدا می‌کنه. این اصلاً یک آموزه‌ی بی‌ربط نیست.

کلوین ارزیابی خودش رو به ارزیابی لوتر اضافه کرد و گفت: عادل شمردگی، لولایی هست که همه چیز روی اون می‌چرخه. من خیلی شنیدم که بارها از این استعاره که از قلم جان کلوین میاد استفاده شده و بهش فکر می‌کنم و به نظرم وقتی او درباره‌ی لولاها صحبت می‌کنه، حتماً ایده‌ی نوعی در رو در ذهن داشت، چون ما معمولاً لولاها رو با درها همراه می‌کنیم.

درها به درون و بیرون می‌چرخند، چون محکم به چارچوب وصل نشدنند، بلکه بر روی لولایی هستند که بهشون اجازه میده به درون و بیرون بچرخند و من نمی‌تونم کمکی بکنم، مگه این که برم سراغ این موضوع که خود خداوند ما بارها از استعاره‌ی در برای صحبت درباره‌ی نجات استفاده کرد.

او گفت: "من در هستم، دری که انسان‌ها باید برای آمدن به ملکوت خدا از اون وارد بشوند"، و به نظرم این موضوع در فکر کلوین بود. چون وقتی درباره‌ی این صحبت می‌کنه که یک چیز، لولایی هست که همه چیز روی اون

می چرخه، کلون درک کرد که عبارت "عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان"، خلاصه‌ای ساده برای عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی مسیح. و این مسأله‌ی اصلی بود.

قبلاً پِکر از استعاره‌ی متفاوتی در پیشگفتار مقدماتیش برای ترجمه‌ی انگلیسی اثر آتاناسیوس درباره‌ی تجسم استفاده کرد. پِکر از استعاره‌ی اطلس استفاده کرد. اطلس، جهان یا دنیا رو بر روی شانه‌هاش حمل می‌کرد؛ او گفت عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان، اطلس ایمان مسیحی هست.

اگه اطلس، شانه‌اش رو بالا بندازه و این آموزه از شانه‌هاش بیفته، همه چیز از بین میره. همه‌ی حقایق دیگه‌ی ایمان مسیحی باهاش از بین میره. حالا، بعضی از افراد شاید با کلون و پِکر و لوتر به این اعلانات نگاه کرده و بگن: "این اغراقه. اونها درباره‌ی اهمیت این موضوع اغراق می‌کنند."

و کسانی در زمان ما هستند، همونطور که گفتم، می‌گن نهضت اصلاحات تموم شده. همینطور شنیدم که بعضی محققین، می‌گن: "نهضت اصلاحات، صرفاً یک سوء تفاهم بود." شنیدم که الهیدانان دیگه می‌گن: "این سر و صدای زیاد درباره‌ی یک چیز کم اهمیت بود،" به عبارت دیگه، این موضوع بزرگی نیست.

مردم کارهایی زیادی درباره‌ی این آموزه کردند، باهاش گمراه شدند و اکثراً بر اساس انتقال نادرست و سوء تفاهم بوده. مباحثات متعدد و مناظرات رو کاملاً نادیده گرفتند و تلاش‌هایی که در قرن ۱۶ برای شفای این اختلاف و شفای جدایی اتفاق افتاد، نهایتاً به "رگنسبورگ" ختم شد که بعداً درباره‌اش صحبت خواهیم کرد. اما هر تلاشی در اون زمان، شکست خورد، چون تفاوت‌ها در نظر گرفته نشده بود.

اونها واقعی بودند، و تا امروز هم واقعی موندند، همونطور که خواهیم دید. حالا مورد آخر، قبل از این که واقعاً به پیشینه‌ی تاریخی اون بپردازم، این رو بگم که این هفته که فیس‌بوک و نظرات مردم رو در رسانه‌های اجتماعی می‌خوندم، حداقل سه بار جمله‌ای رو از مردم شنیدم یا خوندم که می‌گفتند، ما با ایمان به آموزه نجات نیافتیم. ما به صورت خاص با ایمان به آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان نجات نیافتیم. این انتقاد خاص که بارها در ماه‌های اخیر خوندم، کسانی رو متهم می‌کنه و مخاطب قرار می‌ده که از چیزی طرفداری می‌کنند که "الهیات اصلاح‌گرا" می‌نامیم.

فقط در مقدمه می‌خوام بگم در زندگی و درس‌هام در طول ۵۰ سال، حتی یک بار نشنیدم که یک الهیدان اصلاح‌گرا یا شخص اصلاح‌گرا بگه شما با آموزه، نجات یافتید، با ایمان به آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان نجات یافتید. در واقع، اگه چیزی این ایده رو رد می‌کنه که شما می‌تونید با ایمان به آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان نجات پیدا کنید، اون آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان خواهد بود، چون آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان، مانع از این ایده میشه که بتونید با ایمانی غیر از ایمان فقط به مسیح، نجات بیابید.

این آموزه نجات نمیده، بلکه مسیح نجات میدهد. کلیسا سعی می‌کند از طریق آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان توضیح بده که مسیح چطور قومش رو نجات میدهد. حرف ما اینه که عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی اعتماد به مسیح، نه کتاب‌های درسی الهیاتی‌مون، نه اعتقادنامه‌هامون، هر چقدر هم که مهم باشند؛ نه به اعترافات‌مون، بلکه به ایمان واقعی‌مون که موضوعش مسیح، نه آموزه‌ی مربوط به مسیح.

امیدوارم فرقتش رو ببینید. حالا اغلب خودم فکر کردم؛ مطمئنم که کسی فقط به خاطر تأیید عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان نجات پیدا نمی‌کنه. ابلیس می‌دونه که این حقیقته. اما روی دیگه‌ی سکه، خیلی آسون نیست. اگه شما آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان رو انکار کنید، چی میشه؟ حالا، این موضوع متفاوتی هست، چون حالا انکار می‌کنید که شما فقط بوسیله‌ی مسیح نجات یافتید، و این انکار می‌تونه کافی باشه تا شما رو محکوم کنه. کلیسای کاتولیک روم به این اعتقاد داشت، همینطور پروتستان‌ها که با هم خواهیم دید.

هر دوی اونها اعتقاد داشتند که آموزه‌ی نجات برای رستگاری ابدی ما ضروریه و این که باور ما درباره‌ی مسیح، یک ضرورت همیشگیه. اما اونها این اعتقاد رو هم داشتند که تعلیم اشتباه اون، سزاوار محکومیته، وقتی به شورای ترنت و نامه‌ی پولس به غلاطیان می‌پردازیم، این رو خواهیم دید.

اما در شروع این مسیر شناخت مقدماتی درباره‌ی آموزه‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان، می‌خوام با این کلام شروع کنم که این سر و صدای زیاد به خاطر یک موضوع بی اهمیت نبود. این خیلی جدی هست، و به طور کلی، فقط در عصر بی ایمانی، مردم می‌گن آموزه، مهم نیست.

کسانی که به چیزی ایمان ندارند، وقتی به الهیات میرسه، می‌خوان درباره‌ی همه چیز تبادل نظر کنند، اما این الهیات، درک کلیسا رو درباره‌ی خود انجیل تعیین می‌کنه.